



۲۰۱۹/۰۲/۲۵



م. اسحاق نگارگر

آیا افغانستان مستحق یک دولت انتخابی است؟



خوب یادم می آید که در یکی از کتاب های مضمون فارسی یا دری حکایتی دلچسپ خوانده بودم که امروز هم به یادم است. در آن حکایت، شیری و گرگی و روباهی با هم به شکار رفتند. شیر گاوی صید کرد و گرگ نیز گوسفندی را از پا افکند و روباه نیز ماکیانی را شکار کرد و هر سه شکار ها را کنار هم نهادند و شیر گفت:

حالا یکی باید شکار ها را تقسیم کند.

مصلحت بر گرگ قرار گرفت و گرگ گفت:

"تقسیمی در کار نیست، گاو کلان حق سلطان، گوسفند لاغر حق چاکر و ماکیان چاق حق روباه چالاک." شیر از جا برجست و کله گرگ را کند و به روباه گفت:

"تو تقسیم کن!"

روباه که پشت ورق را خوانده بود تعظیمی کرد و گفت:

بهر شامت گاو حاضر، گوسفندت در پسین صبح اینک ماکیان والله خیر الرازقین

شیر خندید و گفت: " این تقسیم عادلانه را از کجا آموختی و روباه پاسخ داد: از کندن کله گرگ حالا ما هم باری با خرس شوروی رفتیم که به نان کالا و خانه و مهمتر از همه خود ارادیت و سوسیالیزم برسیم ولی با کنده شدن کله گرگ ملتفت شدیم که رفقای انترناسیونالست" همه چیز را برای خود می خواستند از ما می خواستند تقسیم را به شیوه روباه بیاموزیم.

موضوع بسیار ساده است وقتی می گوئیم " دولت افغانستان" اینجا ظرف یعنی افغانستان را ذکر کرده اند ولی مقصود مظروف یعنی مردم مقصود است. "دولت افغانستان" یعنی دولت مردم افغانستان" یعنی دولتی که مردم افغانستان باید برای کارها و ضرورت های خود به وجود بیاورند ولی بدبختانه یک دولت به اراده یک دولت خارجی به وجود آمد و برای ما اعلام کرد که معیار افغان بودن تان دوستی با اتحاد شوروی است و کله های گرگ ها بود که پشت سر هم کنده شد ولی ما صاحب دولت نشدیم یعنی نام از ما بود و کام از دیگران.

سرها بر باد رفت و بالاخره معاهده بُن آمد و در آنجا نیز کسانی گرد آمدند که هرگز خود را در آیینۀ انتخاب مردم ندیده بودند آمدند تا سرنوشت مردم را تعیین کنند ولی باز هم همان درک بود و همان خرمک.

انتخابات به نام بود ولی آمیخته با شایبۀ تقلب باز انتخابات دوم با تقلب گسترده تر که بالاخره متقلبان با هم ساختند و بر مردم تاختند تا دموکرات های امریکا فراز آمدند و ما تخم امید در سرزمین سینه ها کاشتیم که اینان مدعی قایم کردن دموکراسی در سراسر جهان استند پس ممکن نیست اینان از پرنسیپ های اعتقادی خود عدول نمایند.

اما این بار نیز حضرت سلطان از ما تقسیم روباه را می خواهد و از پرنسیپ اعتقادی خود عدول می نمایند یک دولت غیر انتخابی را به نام دولت موقت بر ما تحمیل میکنند.

آیا سر انجام ممکن است ما از تجارب متعدد خود بیاموزیم و بگوییم که اگر دولت از مردم افغانستان است پس مردم با رأی آزاد و بدون مداخله باید آنرا به وجود بیاورند و با رأی خود بدان صلاحیت بدهند من متأسفانه دولت جناب غنی و عبدالله را نیز متعلق به مردم نمی دانم زیرا اگر هر دو رهبر در تقلب دست نداشتند نایبست به این اتحاد دو قطب متضاد و با هم در جنگ تن می دادند.

اکنون که کمسیون های انتخابات نیز اعتماد را از دست داده اند یک انتخابات زیر نظارت مستقیم ملل متحد در کار است تا افغان ها بتوانند دولتی به وجود بیاورند که کشور را از بحران نجات بدهد. دیگر مردم افغانستان از کندن کله گرگ خسته شده اند.

طالبان هم اگر به راستی صلح می خواهند و زیر دُهل پاکستان نمی رقصند خویشان را در آیینۀ انتخاب مردم ببینند. اراده مردم را تمثیل نکنید بلکه احترام کنید.

فاعتبروا یا اولی الابصار نگارگر ۱۸ فبروری ۲۰۱۸ برمنگهم



تذکر: هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و سروده های دیگری از این نویسنده بزرگ را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

آیا افغانستان مستحق یک دولت انتخابی است؟

[n_negargar_aayaa_afgh_mostahaq_daolat_qaanooni_ast.pdf](#)